هو الظاهر بالعدل والناظر بالفضل يا أفناني عليك فضلي...

حضرت بهاءالله

اصلی فارسی

من آثار حضرة بهاءالله – لئالئ الحكمة، المجلد 3، لوح رقم (190)

هو الظّاهر بالعدل والنّاظر بالفضل

يا أَفْنانِيْ عَلَيْكَ فَضْلِيْ وَرَحْمَتِيْ وَعِنايَتِيْ، ارادهٔ مطلقه و مشیّت نافذهٔ حقّ جَلَّ جَلالُهُ خافیهٔ صدور را ظاهر فرمود تا کل مطلع تقدیس و مشرق تنزیه را بدانند و آگاه شوند نفسیرا که چهل سنه در ظلّ قباب رحمت عظمی حفظ نمودیم بر تضییع امر الهی قیام نموده، نار ضغینه‌اش را فرات عالم ساکن ننمود، لِلّهِ الْحَمْدُ نفوسیکه ادّعای معرفت و حقیقت مینمودند از ایشان ظاهر شد آنچه که هر صاحب بصری گواهی داده و میدهد بر ظلم و تعدّی و خیانت و کذب آن نفوس، مؤسّس این تعدّیات و مفتریات شیخ محمّد یزدی و ساکن جزیره بوده، فی الحقیقه شقاوتی ظاهر شده که شبه نداشته و ندارد، هر هنگام که قاصدی قصد مقصد اقصی نماید ذیل طاهرشرا بغبار مفتریات میآلایند، چندی شهرت دادند که میرزا ابوالقاسم ناظر وجهی سرقت نموده و بعکّا رفته، و چندی قبل که جناب افنان ح عَلَيْهِ بَهآئِيْ وَعِنايَتِيْ باین ارض توجّه نمودند از بعد سیّالهٔ برقیّه اخبار نمودند که جناب مذکور مبلغ نود لیره و بعضی اوراق سرقت نموده و رفته، دیگر آنچه اختر از قبل و بعد نوشته آنجناب آگاهند، بالمرّه از عدل و انصاف و صدق و امانت محرومند، باری ید قدرت ظاهر فرمود آنچه را که مستور بود، از حق میطلبیم اولیای خود را از همزات غافلین حفظ فرماید، جناب اسم جود عَلَيْهِ بَهآئِيْ مکرّر ذکر شما را نموده محبّتش باغصان و افنان سدرهٔ مبارکه بمثابهٔ آفتاب ظاهر و مشرق، لا تَحْزَنْ مِنْ شَيْءٍ سَوْفَ يَرْفَعُ اللّٰهُ أَمْرَهُ وَيُعِزُّ أَوْلِيآئَهُ وَيَفْتَحُ عَلى وُجُوْهِهِمْ أَبْوابَ جُوْدِهِ وَعَطآئِهِ إِنَّهُ عَلى كُلِّشَيْءٍ قَدِيْرٌ، النُّوْرُ السّاطِعُ اللَّمِيْعُ عَلَيْكَ وَعَلى مَنْ مَعَكَ وَعَلَى الَّذِيْنَ يَسْمَعُوْنَ قَوْلَكَ فِيْ نَبَإِ اللّٰهِ الْعَظِيْمِ.